

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> doi 10.22034/marefateeqtesadi.2025.5001366 dor 20.1001.1.20422322.1403.15.2.4.8

Bank Credit Money Creation as an Instance of *Akl Al-Māl bi'l-Bāṭil*

Mohammad-Esmail Tavassoli  / Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University
metavassoli@gmail.com

Received: 2024/11/21 - Accepted: 2025/03/08

Abstract

Despite numerous studies on bank credit money creation, considerable ambiguity remains concerning its status in Islamic banking discussions. This paper employs an analytical method to examine the Islamic economic perspective on bank credit money creation through fractional reserve banking and = creating credit money from nothing by creating credit in the account. According to the findings, money creation leads to problems such as multiple simultaneous claims of ownership over a single, definite property. Moreover, credit creation money from nothing resembles fictitious cheques. From a legal perspective, the study concludes that any form and amount of bank credit money creation—even under a fractional reserve banking system—is, from a jurisprudential standpoint, a case of akl al-māl bi'l-bāṭil (unjust enrichment), and thus religiously prohibited. This conclusion calls for policy and legislative measures to counteract money creation practices in the Iranian economy.

Keywords: Fractional Reserve Banking, Credit Money Creation, Money Creation from nothing, Islamic Economics.

JEL Classification: P44, E51

خلق پول اعتباری بانکی به مثابه «اکل مال به باطل»

metavassoli@gmail.com

محمد اسماعیل توسلی  / استادیار گروه اقتصاد اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

چکیده

علی‌رغم انجام تحقیقات متعدد در زمینه خلق پول اعتباری بانکی، هنوز ابهامات زیادی در مورد آن در مباحث بانکداری اسلامی وجود دارد. این مقاله با روش تحلیلی به بررسی دیدگاه اقتصاد اسلامی در زمینه خلق پول اعتباری بانکی از مسیر بانکداری ذخیره جزئی و نیز خلق پول اعتباری از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب می‌پردازد. بر اساس یافته‌های تحقیق، خلق پول باعث بروز مشکلاتی همچون ایجاد چندین ادعای مالکیت بر مال واحد مفروز در آن واحد می‌شود؛ همچنین خلق پول از هیچ مبتنی بر اعتباری مشابه چک‌های صوری است. با توجه به مباحث حقوقی مطرح‌شده، خلق پول اعتباری بانکی به هر میزان و هر شکل حتی در نظام بانکداری ذخیره جزئی از حیث فقهی مصداق اکل مال به باطل و حرام است. این امر مستلزم اقدامات سیاستی و تقنینی برای مقابله با خلق پول در اقتصاد ایران است.

کلیدواژه‌ها: بانکداری ذخیره جزئی، خلق پول اعتباری، خلق پول از هیچ، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: E51, P44

مقدمه

با ظهور بانک‌ها در اقتصاد و گسترش آن، علاوه بر اینکه همانند رباخواران از انواع قراردادهای ربوی بهره می‌بردند، همانند دولت‌ها که حق انتشار پول دارند به خلق پول اعتباری دست یازیدند. پول اعتباری در بیان میزس (نورث، ۱۳۹۷، ص ۲۸) پولی است که کمتر از صد درصد معادل ارزش خود ذخائر سکه دارد. به عقیده میزس (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۱) بانک پیمان‌هایی برای پرداخت صادر می‌کند که تعهدات قانونی هستند؛ درحالی‌که نمی‌توان همه آنها به صورت عندالمطالبه نقد کرد. میزس این شکل از پول را پول اعتباری یا واسطه اعتباری می‌نامد. به عقیده میزس (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۴) پول اعتباری همیشه با تعلیق تبدیل‌پذیری اسکناس‌های خزانه‌داری یا اسکناس‌های بانکی به پول نقد پدید می‌آید. بانک‌ها از مسیر ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری از طریق بانکداری ذخیره جزئی با ضریب فزاینده و یا از طریق خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب که در اختیارشان قرار گرفت، خالق حجم عظیم نقدینگی در اقتصاد شدند. به گفته حسینی دولت‌آبادی:

در ادبیات متعارف اقتصاد نسبت به ماهیت واقعی بانک سه رویکرد مختلف واسطه‌گری مالی، بانکداری مبتنی بر ذخیر جزئی و رویکرد خلق اعتبار از هیچ مطرح است. در رویکرد ابتدایی، بانک‌ها تنها واسطه‌های مالی هستند؛ در این دیدگاه آغاز فرایند وام‌دهی با جمع‌آوری سپرده‌ها از اشخاص و پایان آن قرض دادن این منابع به اشخاص دیگر است. در رویکرد بانکداری مبتنی بر ذخیر جزئی، بانک‌ها به صورت تجمعی خلق پول می‌کنند؛ گرچه هر بانک به تنهایی یک واسطه‌گر مالی است که سپرده‌ها را جذب و آنها را به متقاضیان وام می‌دهد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵).

دیدگاه سوم که به عقیده حسینی دولت‌آبادی و روحانی دیدگاه برتر دوران کنونی است، همانند دیدگاه ذخیره جزئی معتقد است نظام بانکی خلق پول می‌کند، ولی هریک از بانک‌ها به تنهایی همه وام‌ها را از هیچ خلق می‌کنند و نیازی به جذب سپرده پیش از آن وجود ندارد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۹-۱۸۳؛ کمیجانی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۳). به عقیده توسلی و دیگران:

در بانکداری متعارف کنونی هر سه رویکرد با هم وجود دارد؛ زیرا اگر رویکرد واسطه مالی وجود نداشته باشد، فایده‌مندی و خدمات‌دهی بانک‌ها به عموم مردم تقلیل می‌یابد و از اعتبار بانک‌ها و اعتماد به آنها در نزد مردم کاسته می‌شود؛ در نتیجه نمی‌توانند از رویکردهای ذخیر جزئی با خلق وام از سپرده یا خلق وام از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب استفاده کرده و خلق پول کنند، اما مسئله مهم‌تر این است که بانک‌ها در رویکرد واسطه وجود تنها درآمدشان محدود به همان کارمزد است، که تنها نسبت کوچکی از نرخ بهره اسمی را تشکیل می‌دهد. اصل پول و درآمد بهره با کسر کارمزد متعلق به سپرده‌گذار است، در رویکرد ذخیره جزئی که خلق پول با ضریب فزاینده در چرخ بانکی رخ می‌دهد. در اینجا بانک‌ها گرچه کل درآمد حاصل از نرخ بهره را مالک می‌شوند، اما اصل پول متعلق به سپرده‌گذار است که نزد بانک سپرده شده و در قبال استفاده از خدمات حساب جاری هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند. در رویکرد سوم بانک‌ها کل درآمد حاصل از نرخ بهره و اصل پول وام داده شده را در انتها مالک می‌شوند. در این حالت، بانک برای متقاضی وام اعتبار در حساب ایجاد می‌کند و متقاضی پس از مدتی اصل وام گرفته شده و بهره‌اش را که حاصل دسترنج و تولید ارزش افزوده است را کامل با بانک تسویه می‌کند (توسلی و دیگران، ۱۳۹۹).

به عقیده نگارنده، آن ویژگی‌ای که بانک را بانک می‌کند، همین ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری است، نه آن قراردادهای ربوی؛ زیرا قراردادهای ربوی چند هزار سال در بین جوامع بشری رواج داشت، اما بانکی به شکل کنونی پدیدار نشد. قابل ذکر است که در رویکرد خلق پول از هیچ هر مؤسسه‌ای که وام اعطا می‌کند حتی اگر مانند صندوق‌های قرض الحسنه وام بدون بهره بپردازد، توانایی بالقوه خلق پول از هیچ دارد و گرچه بهره‌ای دریافت نمی‌کند، اما پس از مدتی مالک اصل پول وام داده شده می‌شود. به همین جهت است که در ایران با همه رکودش شاهد رشد قابل توجه انواع بانک‌ها از جمله بانک‌های قرض الحسنه هستیم.

تجربه چهار دهه گذشته نظام پولی کشور حاکی از این حقیقت است که با مجاز و مشروع شمردن امکان انتشار پول اضافی برای دولت‌ها، شاهد افزایش‌های مستمر و بی‌رویه پایه پولی به وسیله همه دولت‌های پس از انقلاب و افزایش عظیم حجم نقدینگی با مجاز و مشروع دانستن خلق پول توسط نظام بانکی در دهه اخیر بوده‌ایم. نتیجه همه اینها افزایش بهمن‌وار حجم نقدینگی، وقوع تورم‌های شدید، گسترده و مزمن بوده است. کاهش‌های متوالی ارزش پول به دنبال خودش توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد و آثار ناگوار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی ناشی از آن در تمام سطوح جامعه، نااطمینانی تصمیمات سرمایه‌گذاری، اختلال در تراز پرداخت‌های خارجی، بودجه و اقتصاد سوداگری و ضد تولیدی را در پی داشته است. به عقیده میزس:

کاهش دادن ارزش پول سرقتی است که توسط دولت یا بانک مرکزی دارای مجوز دولتی [و بانک‌ها] صورت می‌گیرد و بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند آن را تحت پیگرد قرار دهد. پس از جنگ جهانی اول بانک‌های مرکزی اروپا دولت‌ها را متقاعد کردند که به آنها اجازه دهند تا طلاهای دزدیده شده را نزد خود نگهدارند. دولت‌ها برای جلوگیری از اتفاقات ناگوار بانک‌های تجاری را ورشکسته اعلام نکردند، بلکه در عوض به سارقان طلا که در سطح ملی به صورت سازماندهی شده قراردادهای خود با شهروندان را نقض کرده بودند، اجازه داده شد تا طلاهای دزدیده شده را در دفتر مرکزی کارتل خود نگهداری کنند، یعنی بانک مرکزی ملی (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۵).

با این‌همه از منظر اقتصاد اسلامی و آموزه‌های آن در مورد فرایند بانکداری ذخیره جزئی و ایجاد اعتبار در حساب و ماهیت حقوقی انواع خلق پول اعتباری حاصل از آن فرایندها، پژوهش‌های مبنایی معتنا بهی صورت نگرفته است. دلیل آن هم می‌تواند این باشد که مدت زمان به نسبت کوتاهی است که اندیشه‌وران اقتصاد اسلامی در ایران به خلق پول اعتباری و اهمیت آن در اقتصاد توجه کردند. لذا تبیین ماهیت حقوقی و فلسفی انواع خلق پول و بررسی فقهی آن موضوع این پژوهش قرار گرفته و درصدد پاسخ مبنایی به این پرسش است که آیا یک ریال خلق پول اعتباری از حیث فقهی همانند یک ریال ربا اکل مال به باطل و حرام است؟ یا اینکه خیر! اصل خلق پول مباح است و تنها خلق بی‌رویه آن حرام است؟

پاسخ به بخش اول سؤال در فقه تنها با روش موضوع‌شناسی و تبیین ماهیت حقوقی خلق پول اعتباری میسر است و پاسخ به بخش دوم سؤال به روش معیاری است. به گفته موسویان (۱۳۹۶) در روش موضوع‌شناسی، فقه موضوع را محل بحث قرار داده و حکم خود آن موضوع را بیان می‌کند و گهگاهی به بیان علت‌ها و حکمت‌های حکم هم می‌پردازد، اما محور خود آن موضوع است. در روش معیاری، فقه و شریعت موضوعی وارد نمی‌شود، بلکه معیاری وارد می‌شود؛ مثلاً با معیار عدالت و ظلم یا مصلحت و مفسده. فقیه در اینجا معیار ارائه می‌دهد و بر اساس حکم و مصالح می‌گوید فلان کار حرام است یا حلال.

در ادامه ابتدا با چگونگی خلق پول اعتباری در ادبیات اقتصاد متعارف و برخی نکات مغفول آن، که در موضوع شناسی و فهم ماهیت حقوقی انواع خلق پول اعتباری در استخراج حکم فقهی مهم است، آشنا می شویم؛ آنگاه به طور مبنایی و به تفصیل با موضوع شناسی و تبیین ماهیت حقوقی انواع خلق پول اعتباری، درصدد پاسخ به بخش اول سؤال مبنی بر اینکه آیا یک ریال خلق پول اعتباری همانند یک ریال ربا اکل مال به باطل و حرام است یا خیر؟ برخوردیم آمد.

خلق پول در بانکداری ذخیره جزئی

در ابتدا لازم است دو مفهوم انتشار پول و خلق پول را از هم تفکیک کنیم؛ زیرا دارای دو طبیعت متفاوت هستند. انتشار پول به صورت سکه دالاتی و اسکناس کاغذی و یا الکترونیکی به واسطه حقی است که به دولت داده شده و از طریق بانک مرکزی و افزایش پایه پولی صورت می گیرد، اما هنگامی که بانکهای تجاری، سپرده ها و بانکداری ذخیره جزئی وارد بحث حجم نقدینگی می شوند، با مسئله ضریب فزاینده، خلق پول اعتباری و افزایش حجم نقدینگی مواجه می شویم که چندین برابر پول منتشر شده بانک مرکزی، سپرده یا همان شبه پول در بانکهای تجاری ایجاد می شود. اگر سیستم بانکداری ما با ذخیره صددرصدی باشد، نقدینگی به همان اندازه افزایش پایه پولی افزایش می یابد. به بیان میزس: اگر بدهکار (دولت یا بانک) بتواند معادل کل مقدار جانشین های پول صددرصد ذخایر پولی را در دسترس نگاه دارد، آنگاه جانشین پول را یک گواهی پولی می نامیم. گواهی پول هم عندالمطالبه است و هم صددرصد تضمین شده و تعهد برای پرداخت فوری در هر زمانی است (نورث، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

اما باید در نظر داشت که نظام بانکداری ما همانند سایر نظام های بانکی جهان ذخیره صددرصدی نیست. اگر قرض گیرنده در سیستمی که مبتنی بر ذخیره جزئی نیست بخواهد قرض بگیرد، باید یک سپرده گذار از استفاده پول خود تا زمان سررسید بازپرداخت صرف نظر کند؛ لذا خلق پولی در کار نخواهد بود؛ درحالی که در یک سیستم ذخیره جزئی سپرده گذاران می توانند هر زمان که بخواهند پول خود را برداشت کنند؛ از این رو با ضریب فزاینده، افزایش حجم نقدینگی را از این ناحیه شاهد خواهیم بود. به گفته میزس:

در بانکداری ذخیره جزئی حتی با پشتوانه طلا و جهانی که در آن همه رسیدهای طلا با پشتوانه صددرصد همانند رسیدهای طلای بدون پشتوانه به نظر می رسند، بانکهای صادرکننده رسید با یک فرصت و یک تهدید مواجه هستند. فرصت عبارت است از اینکه می توانند در ازای چیزی که عملاً هیچ چیز نیست (رسید بدون پشتوانه طلا) چیزی دریافت کنند (بهره). تهدید عبارت است از اینکه سپرده گذاران به بانک هجوم آورند تا سپرده خود را پس بگیرند (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

به گفته میزس:

بانکهای تجاری هنوز به صورت ذخیره جزئی پول اعتباری خلق می کنند، ولی حسابها دیگر ربطی به طلا ندارد. در این فرایند سپرده گذاران بالقوه به بانک خود مراجعه می کنند و از طرح های ممکن برای پس انداز مطلع می شوند. به او گفته می شود که می تواند یک حساب باز کند و در قبال آن بهره بگیرد و در عین حال هر زمانی مایل بود پول خود را از حساب خارج کند. او هم می تواند یک کیک خود را داشته باشد و هم آن را بخورد (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۷).

در نظام بانکداری معاصر سپرده‌های جاری که بخش مهمی از حجم پول را تشکیل می‌دهد، این ویژگی را دارند. این سپرده‌ها در ابتدا به وسیله بانک‌های تجاری خلق می‌شوند، بانک‌ها از طریق معاملات با پول سعی می‌کنند تا سودشان را به حداکثر برسانند. از آنجاکه همه سپرده‌گذاران با هم مبادرت به برداشت سپرده‌هایشان نمی‌کنند، بانک‌ها می‌توانند اقدام به اعطای وام با بهره یا سرمایه‌گذاری به هدف جلب سود از طریق سپرده‌های مردم کنند. بانک‌ها از ذخایری که نزد خودشان و یا نزد بانک مرکزی دارند، بهره‌ای دریافت نمی‌کنند و لذا به هدف حداکثر کردن سود سعی خواهند کرد تا این ذخایر را به حداقل برسانند. هر چیزی که بر ذخایر بانک‌ها اثر داشته باشد، بر عرضه پول نیز مؤثر خواهد بود. به تحلیل می‌رس:

در فرایند سپرده‌ها و وام‌ها، سپرده‌گذار یک حساب سپرده باز می‌کند. بانکدار به یک عرضه پول جدید می‌رسد. بانکدار اگر بخواهد از این پول جدید درآمد کسب کند، باید یک قرض‌گیرنده را متقاعد کند تا یک وام جدید بگیرد. او چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ با پایین آوردن نرخ بهره و پیشنهاد یک معامله بهتر به قرض‌گیرنده. بنابراین بانک به بانک و سپرده به سپرده بانکداران [با توجه به نرخ ذخیره قانونی ۳ درصد] برای ۹۷ درصد سپرده‌ها با پیشنهاد نرخ‌های بهره پایین‌تر به دنبال قرض‌گیرنده می‌گردند، و قرض‌گیرندگان به این پیشنهاد پاسخ می‌دهند تا زمانی که تمام سکه‌های ده سنتی نیز وام داده شوند. اگر بانکدار می‌خواهد سودی از سپرده‌هایی که پذیرفته کسب کند، باید تک تک ده سنتی‌ها را هم وام دهد. بانک پول را جایی نمی‌گذارد که دست کسی به آن نرسد (نورث، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳ و ۱۲۴). این یک شیوه خلق پول اعتباری است؛ گونه دیگر، خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب است که در زیر به آن می‌پردازیم.

خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب

به گفته سبحانی و درودیان:

خلق پول از هیچ بر قابلیت وام‌دهی و سپرده‌آفرینی بانک مقدم بر سپرده‌گیری و اکتساب ذخایر دلالت دارد. زمانی که بانک وام اعطا می‌کند، این وام مترادف با افزودن بر حساب سپرده شخص وام‌گیرنده است. این پول افزوده شده به حساب وام‌گیرنده از حساب‌های سپرده قبلی پرداخت نشده و موجودی ذخایر بانک را نمی‌کاهد، بلکه این قدرت خرید (پول) به تازگی خلق شده است (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵).

در دو دهه اخیر رویکردی نسبت به نوع خلق پول رایج شده که مدعی است بانک‌ها به دلیل درون‌زایی پولی در خلق پول آزادی عمل بالایی دارند و به همین دلیل امکان اهرم کردن منافع و مضار در صورت‌های مالی رواج یافته و ماهیت رابطه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تغییر بی‌بنیادین پیدا کرده است (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۷).

این دیدگاه درباره بانک‌ها با عنوان تأمین مالی به واسطه خلق پول نام‌گذاری شده است. آغاز این فرایند با یک قرض‌گیرنده (سرمایه‌گذار الف) است، که بانک پس از ارزیابی ریسک اعتباری او، قرارداد وام را با او امضا می‌کند. هنگامی که این وام در حساب‌های بانک به عنوان یک دارایی جدید ثبت می‌شود، به طور هم‌زمان، یک سپرده نیز به همان مقدار به عنوان بدهی در حساب‌های بانک ثبت می‌شود. بانک با وام‌دهی، قدرت خرید جدید یا همان پول را خلق می‌کند. هم وام و هم سپرده به نام سرمایه‌گذار الف است و این بدان معناست که این فرایند شامل هیچ گونه واسطه‌گری وجوه نیست. سرمایه‌گذار الف برای تهیه ماشین‌آلات از سرمایه‌گذار ب پول موجود در سپرده‌های جدید خود را به حساب

سرمایه گذار ب منتقل می کند، در این زمان سرمایه گذار ب به یک پس انداز کننده تبدیل می شود. نکته مهم آن است که پس انداز سرمایه گذار ب نتیجه غیرارادی فرایند وام دهی و سرمایه گذاری است، نه علت آن. درواقع در نظام بانکی پس انداز موجب تأمین مالی سرمایه گذاری نمی شود، بلکه خلق پول بانک این کار انجام می دهد. در پایان این فرایند هویت شخص وام گیرنده یعنی سرمایه گذار الف با هویت شخص پس انداز کننده یعنی سرمایه گذار ب متفاوت است، ولی این به این معنا نیست که بانک واسطه و جوه میان افراد الف و ب شده است. بانک قدرت خرید جدیدی تنها برای شخص الف خلق نموده که در مرحله بعد و به واسطه نظام تسویه به شخص ب منتقل شده است. دیدگاه واسطه گری مالی، بانک ها را به عنوان نهادهای تهاتری تحلیل می کند، نه یک نهاد پولی. درواقع این دیدگاه بانک را نهادی در نظر می گیرد که معاملات غیرمالی (کالایی) با جمع غیر صفر انجام می دهد، که ذاتاً نیازمند وقوع پس انداز منابع حقیقی پیش از هرگونه وام دهی است، ولی بانک نهادی است که معاملات مالی (پولی) با مقادیر ناخالص غیر صفر ولی با جمع صفر انجام می دهد، که نیازمند هیچ گونه پس انداز پیشینی منابع حقیقی نیست (Jakab & Kumhof, 2015).

در نظر داشتن این تمایز میان بانک ها و سایر نهادهای اقتصادی بسیار ضروری است. هنگامی که یک قرض دهنده بتواند خودش خلق پول کند (مانند همه نهادهای غیربانکی) مجبور است انباشت پول خود را کاهش و انباشت دیگر دارایی های مالی خود (به صورت وام یا اوراق قرضه) را افزایش دهد، ولی قرض دهنده ای که قادر به خلق پول است (مانند بانک مرکزی یا بانک تجاری) به طور هم زمان هم دارایی های مالی خود را افزایش می دهد (وام جدید خلق شده) و هم بدهی های مالی خود را می افزاید (سپرده قرض گیرنده) (Werner, 2014؛ Lindner, 2015).

به گفته کمیجانی و دیگران، به صورت تجربی و با بررسی فرایند حسابداری داخلی بانک در فرایند وام دهی، می توان نشان داد که فرایند بیان شده دقیقاً آن چیزی است که هنگام اعطای وام جدید رخ می دهد. هنگامی که قرارداد وام توسط بانک و مشتری امضا شد، حساب وام گیرنده به میزان ارزش وام بستانکار می شود. پرسش کلیدی این است که آیا به عنوان پیش نیاز این عمل حسابداری، یعنی پیش از بستانکار کردن حساب مشتری بانک باید این مقدار را از یک حساب دیگر کسر کند؟ در صورتی که دیدگاه ضریب فزاینده برقرار باشد، معادل این رقم از ذخایر بانک کسر می شود و اگر دیدگاه واسطه گری مالی پذیرفته شود، باید از سپرده مردم نزد بانک کاسته شود، ولی در صورتی که بانک بتواند بدون کاستن از دیگر حساب های داخلی (سپرده ها) یا خارجی (ذخایر) حساب وام گیرنده را بستانکار و وام را پرداخت کند، شاهد کافی دال بر توانایی خلق پول بانک از هیچ خواهد بود. پی گرفتن ردیف های مالی ایجاد شده در فرایند پرداخت یک وام جدید در حساب های مالی بانک نشان می دهد که دیدگاه خلق پول مطابق واقع است (کمیجانی و دیگران، ۱۳۹۷).

برخی نکات مهم!

نکته اول و مهمی که باید در این فرایندها به آن توجه داشته باشیم، این است که انتشار و خلق پول چه از طریق پایه پولی با انتشار پول قانونی از سوی بانک مرکزی و چه از طریق خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در

حساب از سوی بانک‌ها بر اساس نظریه عین اعتباری درباره ماهیت پول (توسلی، ۱۳۹۴)، پول هستند و از هیچ خلق می‌شوند، تنها منشأ جعل و خلق آنها متفاوت است.

نکته دوم اینکه انتشار پول از سوی بانک مرکزی و یا خلق پول از هیچ از سوی بانک‌ها، هر دو در نظام پولی و بانکی‌ای که بانکداری ذخیره جزئی و ضریب فزاینده در آن حضور دارد صورت می‌گیرد؛ در نتیجه هر دو پول به محض ورود به چرخه بانکداری تجاری با ضریب فزاینده منجر به افزایش چندین برابری سپرده‌ها و در نتیجه افزایش بهمن‌وار حجم نقدینگی می‌گردند. اینکه آمارها نشان‌دهنده خلق و تولید روزانه چند هزار میلیارد تومان نقدینگی در نظام بانکی ایران است، تنها با توجه به تحلیل بالا قابل تفسیر است.

نکته سوم و مهم دیگری را هم باید به آن توجه کنیم این است که حتی اگر سیاست ذخیره صددرد را اعمال کنیم، باز شاهد خلق پول از هیچ خواهیم بود؛ البته دیگر با ضریب فزاینده چند برابر نخواهد شد. در این صورت افزایش نقدینگی تنها جمع افزایش مقدار پایه پولی و مقدار خلق پول از هیچ خواهد بود.

مروری بر ادبیات فقهی موضوع

صمصامی و کیان‌پور (۱۳۹۴) بر اساس رویکرد کل‌گرایانه - غایت‌محور رایج در مطالعات اقتصاد اسلامی، نشان دادند: خلق پول توسط نظام بانکی به بی‌ثباتی اقتصادی، عدم ایفای تعهد و اکل مال به باطل منجر می‌شود؛ همچنین خلق پول مانع تحقق اهداف نظام مالی اسلامی مانند عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها می‌شود؛ از این رو امکان خلق پول توسط نظام بانکی به شکل کنونی در نظام مالی اسلامی وجود ندارد (صمصامی و کیان‌پور، ۱۳۹۴).
به گفته سبحانی و درودیان (۱۳۹۵):

در ادبیات اقتصاد اسلامی گرایش غالب در بین محققان، رد توان خلق پول به وسیله نظام بانکی از حیث سازگاری با معیارهای دینی است. ایشان با پافشاری بر دو معیار اصلی عدالت و مولدیت، خلق انعطاف‌پذیر پول به وسیله نظام بانکی را به صورت بالقوه امکانی در جهت گسترش تولید و تحقق هدف آبادانی معرفی کرده، اما میزان فعلیت یافتن آن را موضوعی مرتبط با عوامل مؤثر بر مقصد تخصیص اعتبارات بانکی می‌داند. از دیدگاه معیار عدالت، خلق پول بانکی به جهت اتکای به امتیازات تبعیض‌آمیز و همچنین آثار توزیعی منفی، در هر دو معنای برابری در فرصت‌ها و توازن در نتایج، مردود ارزیابی شد؛ از این رو همسوسازی خلق پول بانکی با اغراض اقتصادی دین، مستلزم تمهید سازوکارهایی جهت تطابق مقصد اعتبارات بانکی با اولویت‌های اجتماعی، تخفیف آثار منفی توزیعی، در کنار بازشناسی سهم دولت (جامعه) از سهم بانک در منافع خلق پول و مالیات‌ستانی آن است (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵).

بر اساس نظر این دو اصل خلق پول مباح است.

عالی‌پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۶) بیان داشتند:

اساساً بانک برای اعطای اعتبار حتی نیاز به جمع‌آوری اولیه سپرده از مردم ندارد، بلکه بانک‌ها مستقلاً و بدون موجودی اقدام به اعطای اعتبار به مشتریان می‌نمایند. به منظور تشخیص اینکه این اقدام بانک‌های تجاری مشمول کدام یک از عناوین حقوقی است، دو فرضیه اکل مال به باطل و غصب را مطرح کردند (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶).

حسب توضیحاتی که در این مقاله ارائه شده، به نظر می‌رسد خلق پول مشمول دو عنوان اکل مال به باطل و غصب می‌باشد و حکم فقهی آن نیز حرمت است. به عقیده این دو در شمول این عناوین بر خلق پول، نگاه کلان به مسئله بسیار راهگشا خواهد بود.

اکبری و دیگران (۱۳۹۹) پرسشی را مطرح کردند مبنی بر اینکه آیا خلق پول توسط نظام بانکی اسلامی در اقتصاد اسلامی مشروعیت دارد یا خیر؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد:

نفس خلق پول طبیعی در نظام بانکی، غصب نیست و بر اساس قواعد عمومی بی‌اشکال به نظر می‌رسد؛ هرچند مانند تیغی دولبه می‌تواند آثار مثبت داشته باشد و اگر با شرایط، ساختار، تنظیم‌گری و نظارت نامناسب همراه شود، باعث ضرر خواهد بود. لذا خلق پول باید با سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و نظارت صحیح همراه باشد. خطوط راهنمای اقتصاد اسلامی شامل معیار حق، قوام، عمران و آبادانی و ممنوعیت کتز، ضوابطی برای جواز خلق پول ترسیم می‌کنند (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹).

به عقیده خوش‌نقش (۱۴۰۰):

با تدقیق در منابع فقه امامیه و همچنین قانون مدنی و بانکداری بدون ربا، به نظر می‌رسد دو اشکال اساسی به نظام بانکداری خالق پول وارد است: اول، در عقود اسلامی بانک‌ها مثل قرض‌الحسنه، مشارکت و مانند آن خلق پول موجب معامله با دین می‌شود؛ درحالی که به گفته فقه‌ها باید مورد معامله در این عقود، عین باشد؛ دوم، صرف‌نظر از اشکالات قبلی به نظر می‌رسد مکانیزم خلق پول توسط بانک‌های تجاری یکی از مصادیق اکل مال به باطل است (خوش‌نقش، ۱۴۰۰).

محققان و دیگران (۱۴۰۱) خلق پول را از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی دانسته‌اند که آثار بسیاری را در اقتصاد به‌جای می‌گذارد. ایشان می‌گویند:

خلق پول یا اعتبار جهت اعطای وام به مشتریان بانکی صورت می‌گیرد که بر اساس آن، بانک‌ها به اصطلاح از هیچ به خلق اعتبار در حساب متقاضی وام اقدام می‌کنند. گرچه این پدیده موافقانی نیز دارد، لکن همین گروه نیز به آثار مخرب اقتصادی خلق پول واقف و معترف‌اند. از مهم‌ترین آثار آن می‌توان به بی‌ثباتی اقتصادی، ایجاد تورم، افسارگسیخته، تبعیض و نقض عدالت اشاره کرد. از نظر فقهی می‌توان این پدیده را اکل مال به باطل قلمداد کرد؛ زیرا بانک در مقابل هیچ به کسب مال مبادرت می‌کند (محققان و دیگران، ۱۴۰۱).

به عقیده عیسوی (۱۴۰۲):

بی‌ثباتی در عرضه پول، افزایش بی‌رویه تقاضای پول، ایجاد تورم پولی، بی‌ثباتی اقتصادی، افزایش نابرابری‌های اقتصادی، افزایش احتمال ورشکستگی بانک‌ها، گسترش بخش‌های غیرمولد اقتصاد و تضعیف بخش‌های واقعی، افزایش هزینه‌های مردم و بخش خصوصی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده از مهم‌ترین آثار منفی خلق پول از سوی نظام بانکی است. به عقیده ایشان با توجه به آثار مختلف خلق پول دوگونه خلق پول را می‌توان تصور کرد: یکی خلق پول مثبت (خلق پول بیرونی قاعده‌مند) و دیگری خلق پول منفی (خلق پول از طریق افزایش بی‌ضابطه پایه پولی یا خلق پول بانکی از هیچ). با توجه به ادله مختلف فقهی خلق پول منفی از سوی هر کس انجام پذیرد مصداق اکل مال به باطل، ظلم به جامعه، ضرر رساندن به مردم، مخالف مصالح نظام و مردم و در نهایت مصداق کلاهبرداری و احتیال و محکوم به حرمت است، و چون با وجود پول اعتباری جامعه ناچار از خلق پول است، برای مصون ماندن از آثار مخرب آن باید قواعدی سختگیرانه تدوین و مدیریتی دقیق و مؤثر بر خلق پول بانک‌ها و دولت اعمال گردد (عیسوی، ۱۴۰۲).

این پژوهش‌ها نوعاً پدیده خلق پول را از حیث فقهی و اقتصادی با روش معیاری به واسطه آثاری که در اقتصاد برجا می‌گذارد مورد بررسی قرار دادند. این در حالی است که در روش معیاری همان‌گونه که بیان داشتیم تنها حکم فقهی خلق بی‌رویه پول قابل استخراج است و نه بیشتر و حکم اصل خلق پول قابل استخراج نیست و روش مبنایی و ماهیت‌شناسی موضوع را بسیار کمرنگ پی گرفتند. بنابراین در سطح معیاری هم موافقان هم مخالفان خلق پول اعتباری تا حدودی هم عقیده هستند که خلق بی‌رویه پول اعتباری در نهایت منجر به تورم می‌شود و زبان‌های بسیاری به اقتصاد وارد می‌نماید و لذا ممنوع و از حیث اسلامی با معیارهای آن به‌خصوص معیار عدالت سازگار نیست. اما در سطح دوم که برخورد مبنایی، موضوعی و ماهیت‌شناسی با مسئله خلق پول است و در پژوهش‌های پیشین بسیار کمرنگ بدان پرداخته شده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا به‌صراحت می‌توان بیان نمود که هر نوع خلق پول اعتباری به هر میزان مشمول عنوان اکل مال به باطل بوده و خلق یک ریال آن هم حرام است. لذا پرسش مهم‌تر این است که آیا هر نوع خلق پول اعتباری بانکی به هر میزان حتی یک ریال آنچه در رویکرد بانکداری ذخیره جزئی و چه در رویکرد خلق پول از هیچ، از حیث شرعی ممنوع و حرام و اکل مال به باطل است یا نه؟ برای پاسخ به این پرسش به سطح دوم یعنی موضوع‌شناسی این پدیده و احکام حاصل از آن وارد می‌شویم. تنها در تبیین موضوعی است که با ماهیت‌شناسی خلق پولی که توسط بانک‌ها انجام می‌شود، می‌توان اثبات کرد خلق حتی یک ریال پول اعتباری از طرف بانک با آموزه‌های اسلام سازگار نیست.

نوآوری پژوهش این است که در تحلیل حقوقی خلق پول اعتباری در نظام بانکداری ذخیره جزئی به‌طور خاص به اثرات آن بر تولید چندین ادعای مالکیت بر مال واحد مفروز در آن واحد و از جهت واحد تأکید کرده است و بررسی فقهی خلق پول از هیچ را با استدلالی نو مبتنی بر حقیقت اعتبار و مقایسه آن با چک‌های صوری مستدلاً ارائه کرده است. مقاله به‌طور خاص درصدد پاسخ مبنایی به این پرسش برآمده است که آیا هر نوع خلق پول اعتباری بانکی به هر میزان حتی در نظام بانکداری ذخیره جزئی از حیث فقهی اکل مال به باطل و حرام است یا نه؟

نخست: بانکداری ذخیره جزئی به مثابه عمل متقلبانه و اکل مال به باطل

از قواعد مهم و کاربردی در فقه و حقوق، قاعده اکل مال به باطل است. «این قاعده در متون حقوقی با عناوینی از جمله دارا شدن بدون جهت، دارا شدن غیرعادلانه یا استفاده بدون جهت بیان شده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۵۴۶). در این بخش، ابتدا قاعده مزبور را از لحاظ فقهی مورد بررسی قرار داده و سپس تطبیق آن را با خلق پول اعتباری از سوی بانک‌های تجاری خواهیم پرداخت. قاعده مزبور متخذ از آیه ۲۹ سورة مبارکه «تساء» می‌باشد. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا أَي كسانی که ایمان آورده‌اید، در اموالی که میان شما دست‌به‌دست می‌گردد، به ناروا تصرف نکنید و یا به سبب‌های نادرست آنها را از دست مردم خارج نکنید و صاحب نشوید، مگر اینکه دادوستدی برخاسته از توافق شما باشد. همانا خداوند نسبت به شما همواره مهربان بوده است.

لغت اکل در اینجا، شامل تمامی تصرفات، انتفاعات و استفاده‌ها در محاورات عرفی است. به عبارت دیگر، اکل بر معنای عامی دلالت دارد و به هر نوع تصرف مالکانه گفته می‌شود (عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵).

نکته مهمی که باید در این قاعده مورد بررسی قرار گیرد، ملاک باطل است. در کلام فقها دو نوع باطل وجود دارد: باطل شرعی و باطل عرفی. باطل شرعی به تمام چیزهایی که در شرع مقدس نامشروع، حرام و به بطلان آنها تصریح شده باشد، گفته می‌شود؛ مثل رشوه، سرقت، قمار، غضب و مانند آن، اما باطل عرفی به تمام چیزهای گفته می‌شود که بر اساس فهم و درک عرف باطل باشد. به عبارت دیگر، به آنچه از لحاظ عقلایی ناپسند و قبیح باشد باطل عرفی گفته می‌شود.

بنابراین با توجه به دو نوع باطل شرعی و عرفی، پرسش اساسی این است که منظور از باطل در آیات اکل مال به باطل کدام نوع است؟ یا به عبارت دیگر، قاعده اکل مال به باطل صرفاً باطل شرعی را دربر می‌گیرد یا اینکه هر دو قسم باطل شرعی و عرفی را شامل می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها باطل را صرفاً باطل شرعی می‌دانند؛ از این رو معتقدند قاعده مذکور فقط باطل‌هایی را که در آیات و روایات یعنی شرع بیان شده است، شامل می‌شود؛ به عنوان مثال رباخواری، رشوه‌گیری، خوردن مال یتیم و مانند آن. آیت‌الله خوئی از معتقدان باطل شرعی در مورد قاعده نوشته است که: «ایه حرمت اکل مال به باطل، بیانگر باطل شرعی است، نه باطل عرفی. به تعبیر دیگر ایشان معتقد است که هرچه در شرع و به موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح شده، مشمول قاعده است» (خوئی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۱۴۱). صاحب کنز/العرفان ذیل آیه ۲۹ سوره نساء می‌نویسد که: «باطل در قاعده، شامل آنچه شارع آن را مباح نکرده است می‌شود؛ از جمله غضب، سرقت و عقود فاسد» (فاضل مقداد، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱). بعضی از فقهای دیگر آورده‌اند در جایی که در مورد بطلان یا عدم بطلان امری از شرع مقدس نص و یا مصادیقی نباشد، جهت تشخیص و فهم باطل به عرف مراجعه می‌شود.

در مقابل، برخی از فقها معتقدند که مراد از باطل، باطل عرفی است؛ از جمله آنها می‌توان به آیت‌الله مکارم شیرازی اشاره کرد. ایشان در نقد کسانی که به باطل شرعی معتقد هستند آورده است که:

اگر مراد از باطل، باطل شرعی باشد، فایده آیات حرمت اکل مال به باطل فی‌ذاته به چند مورد که در شرع بیان شده است محدود و منحصر می‌شود و در نتیجه بسیاری از موارد باطل را دربر نمی‌گیرد. حال آنکه همان‌طور که بیان شد باطل دارای معنا و مفهوم عام و وسیعی است که به مصادیق خاصی محدود نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص ۹۳).

بنابراین استدلال ایشان بر عرفی بودن باطل استوار است. در همین راستا امام خمینی رحمته‌الله هم در مورد ملاک و مناط باطل می‌نویسد: «مراد از باطل، باطل عرفی و عقلایی می‌باشد، همان‌طور که ظاهر همه عناوین اخذ شده در موضوع احکام به تشخیص و فهم عرف است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۴). ایشان در نقد نظریه باطل شرعی می‌گوید:

اگر منظور از باطل، باطل شرعی باشد و عرف در نظر گرفته نشود، همان‌گونه که محقق اردبیلی تصور کرده است هنگام شک در بطلان کاری، نمی‌توان به آیه حرمت اکل مال به باطل تمسک کرد؛ زیرا تمسک به آن آیه، تمسک به عام در شبهه مصادیق می‌شود که باطل است، اما این احتمال ضعیف است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۴).

با این توضیحات، عالی پناه و تاج لنگرودی بیان نمودند که:

از نظر اسلام، هرگونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید بر اساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد و هر چیزی که خارج از این اصل باشد، حرام و باطل است. بر این اساس، تحصیل درآمد از راه‌های غیرمشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیرمجاز حرام و باطل است، به دلیل عمومیت و اطلاقی هم موارد را شامل می‌شود (عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵).

اکنون پرسش این است، آیا خلق پول مبتنی بر بانکداری ذخیره جزئی به مثابه عمل متقلبانه و اکل مال به باطل است یا نه؟ در پاسخ می‌گوییم، در فرایند بانکداری ذخیره جزئی خلق پول از پول منتشره بانک مرکزی شروع می‌شود و با ضریب فزاینده پولی در نظام بانکی به افزایش چند برابری سپرده می‌انجامد. این فرایند که در آن بانک‌ها به‌طور تجمعی خلق پول می‌کنند، مفهومش این است که یک واحد پول منتشرشده از سوی بانک مرکزی در حضور ضریب فزاینده در چرخه بانک‌های تجاری، چندین برابر تعهد از طرف بانک‌ها و ادعای مالکیت از طرف صاحبان سپرده را در پی دارد؛ زیرا هر سپرده یک سند برای ادعای مالکیت است. ماهیت این عمل از حیث حقوقی یعنی یک مال واحد و مفروز (در اینجا یک واحد پول) هم‌زمان و از جهت واحد چندین مالک دارد؛ و حال آنکه از لحاظ حقوقی و فقهی یک مال واحد مفروز هم‌زمان و از جهت واحد نمی‌تواند چندین مالک داشته باشد، مگر به نحو مشاع و یا در طول زمان.

خلق پول در این فرایند مثل گردش پول و دست‌به‌دست شدن آن در طول زمان که به سرعت گردش پول معروف شده نیست؛ چون در فرایند گردش پول در طول زمان یا همان سرعت گردش پول، اشخاص در یک زمان با هم مالک یک واحد پول نیستند، اما در فرایند خلق پول، نظام بانکی به‌طور تجمعی از مسیر بانکداری ذخیره جزئی اشخاص متعدد را هم‌زمان مالک یک واحد پول واردشده به چرخه بانکی می‌کند و آنها می‌توانند هم‌زمان با آن معامله کنند. این عمل مثل این است که یک بنگاه ملک واحد مفروز را به چندین نفر فروخته و برای هریک بیع‌نامه حاکمی مالکیت صادر کند. این کار از حیث حقوقی مصداق کلاهبرداری، عمل متقلبانه و اکل مال به باطل است.

شاهد بر مدعا اینکه اگر نظام بانکی با هجوم بانکی مواجه شود، توان بازپرداخت ندارد و پاسخگوی این ادعاهای مالکیت ایجادشده نیست. به بیان میزس: «بانک با ایجاد سپرده‌ها، پیمان‌ها و تعهداتی برای پرداخت صادر می‌کند که تعهدات قانونی هستند؛ درحالی که نمی‌توان همه آنها را به‌صورت عندالمطالبه نقد کرد» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۱). شاهد دیگر بر مدعا، بیان دیگر میزس در تحلیل حقوقی واسطه اعتباری است. وی می‌گوید: «واسطه اعتباری [سپرده] یک تعهد به پرداخت فوری و عندالمطالبه و صددرصد تضمین‌شده در هر زمانی است؛ تعهدی که البته [در عمل] هم‌زمان برای همه دارندگان واسطه اعتباری ایفا نمی‌شود» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۲۸). به عقیده میزس: «تعهد اولیه تبدیل‌پذیری فوری خواه در قانون تصریح شده باشد و خواه صرفاً مبنای عرفی داشته باشد، توقف این تبدیل‌پذیری در حکم یک قانون شکنی است که شاید بتوان برای آن عذر و بهانه تراشید، اما نمی‌توان از آن دفاع کرد» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۴). به گفته میزس:

اینکه بانک‌های تجاری در برابر هجوم سپرده‌گذاران قرار نمی‌گیرند، بدین خاطر است که بانک مرکزی و دولت بانک‌های تجاری را در برابر هجوم سپرده‌گذاران برای خالی کردن حساب‌هایشان محافظت می‌کنند. دولت برای کاهش ریسک سپرده‌گذاران در برابر نکول بانک‌های افراط کار، قوانین معمول قراردادهای را اعمال نمی‌کند، بلکه دست بانک‌ها را برای نکول با عدم الزام به اجرای قرارداد بازمی‌گذارد و به وسیله نظام بیمه تضمین شده دولتی، بانک‌ها را تحت حفاظت قرار می‌دهد (نورث، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵).

به عقیده میزس:

نظام بیمه تضمین شده دولتی ابزاری است برای راحت کردن خیال سپرده‌گذاران تا در مورد رویه‌های نامعقول بانکداری نگران نباشند. این ابزار، تهدید هجوم سپرده‌گذاران به بانک‌ها را کاهش می‌دهد، و هجوم سپرده‌گذاران چیزی نیست غیر از ابزار آنها برای محدود کردن بانک‌ها در انتشار پول اعتباری تورمی با اهرم مالی بالا (نورث، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵).

به گفته میزس: «در قانون بانکداری همه چیز با تخطی نظام‌مند از قراردادها هماهنگ شده است؛ خواه قبل از هجوم سپرده‌گذاران و خواه بعد از هجوم آنها» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

منشأ برخوردار شدن بانک‌ها از ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری

همان‌گونه که مشهور است، ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری از صندوق امانات پالمستراخ بانکدار سوئدی و با یک خیانت در امانت شروع شده است. پالمستراخ به تجربه فهمید مردم به یکباره برای دریافت سکه‌هایشان که به امانت گذاشته بودند مراجعه نمی‌کنند؛ ضمن اینکه عده‌ای که از صندوق پول برداشت می‌کنند، عده‌ای دیگر به همان مقدار پول در صندوق به امانت می‌گذارند. لذا اگر مقداری از این امانت را به دیگران وام بدهد و مقداری را احتیاطاً در صندوق نگه دارد، مشکلی پیش نمی‌آید. صندوق امانی مذکور با این کار از بهره پول استفاده می‌کند؛ ضمن اینکه پس از مدتی اصل پول هم به صندوق برمی‌گردد. از اینجا بود که بانک‌ها پدیدار شدند». به گفته میزس: «داستان آشنای چگونگی آغاز شدن بانکداری ذخیره جزئی ممکن است از نظر تاریخی افسانه‌ای باشد، اما فرایند پیدایش این نوع بانکداری را به دقت تشریح می‌کند» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۲). به گفته میزس همان‌گونه که پیشتر آمده:

در بانکداری ذخیره جزئی حتی با پشتوانه طلا و جهانی که در آن همه رسیده‌های طلا با پشتوانه صد درصد همانند رسیده‌های طلای بدون پشتوانه به نظر می‌رسند، بانک‌های صادرکننده رسید با یک فرصت و یک تهدید مواجه هستند. فرصت عبارت است از اینکه می‌توانند در ازای چیزی که عملاً هیچ چیزی نیست (رسید بدون پشتوانه طلا) چیزی دریافت کنند (بهره). تهدید عبارت است از اینکه سپرده‌گذاران به بانک هجوم آورند تا سپرده خود را پس بگیرند (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

به گفته میزس:

بانک‌های تجاری هنوز به صورت ذخیره جزئی پول اعتباری خلق می‌کنند، ولی حساب‌ها دیگر ربطی به طلا ندارد. در این فرایند سپرده‌گذاران بالقوه به بانک خود مراجعه می‌کنند و از طرح‌های ممکن برای پس‌انداز مطلع می‌شوند. به او گفته می‌شود که می‌تواند یک حساب باز کند و در قبال آن بهره بگیرد و در عین حال هر زمانی مایل بود پول خود را از حساب خارج کند. او هم می‌تواند یک خود را داشته باشد و هم آن را بخورد» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۷).

قانون عملیات بانکی بدون ربای سال ۶۲ و اصلاحات اخیر

قانون عملیات بانکی بدون ربای ایران که سال ۶۲ به تصویب رسید و اصلاحیه‌های اخیر (موسویان و دیگران، ۱۳۸۶؛ موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص ۳۱۱-۳۲۲) تنها به ویژگی ربوی بانک‌ها و بدون ربا کردن آنها در قالب عقود مشروع و متنوع کردن آنها برای تأمین اغراض سپرده‌گذار و متقاضی تسهیلات در بخش تجهیز و تخصیص منابع پرداخته و از خلق پول اعتباری بانک‌ها غفلت شده و یا حق مسلم بانک فرض شده است. این در حالی است که آن ویژگی که بانک را بانک می‌کند همین خلق پول اعتباری است. اینها ماهیت مسلم حقوقی حساب جاری را که امانت بود، با مسلم فرض کردن باز بودن دست بانک‌ها در استفاده از وجوه امانی حساب جاری به ماهیت حقوقی قرض بدون بهره تبدیل کردند؛ با اینکه روشن است در سپرده جاری، نه سپرده‌گذار و نه بانک به دنبال هدف‌های خیرخواهانه نیستند. هدف سپرده‌گذار از این حساب، سامان دادن دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از راه خدمات حساب جاری است. این اندیشه‌وران هدف بانک را که کسب سود از این وجوه امانی است، حق مسلم او فرض کردند؛ حال آنکه طبق قاعده فقهی «العقود تابعة للقصود» اگر طرفین عقد به هر دلیلی الفاظ عقد را در قالب ایجاب و قبول جاری کرده باشند، بدون اینکه قصد انعقاد آن را داشته باشند، عقد منعقد نمی‌شود، و با توجه به اینکه طرفین معامله قصد انشای معامله واقعی را نداشته‌اند، این معامله صوری و باعث ورود ربا و یا باطل شدن معاملات می‌شود؛ ضمن اینکه از لحاظ معیاری به نظر می‌رسد توزیع بسیار نابرابر ثروت از این مسیر که از آثار مسلم اقتصادی آن و مذموم شارع مقدس است مورد غفلت پیشنهاددهندگان اصلاحات اخیر قرار گرفته است.

خطای بزرگ دیگری که در این اصلاحیه و بانکداری ما رخ داد و به خلق پول دامن زد، این بود که آمدند قید «مدت‌دار» را از سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار حذف و به سپرده سرمایه‌گذاری عام و خاص تغییر ماهیت دادند و سپس آن را عندالمطالبه و سودهایش را روزشمار کردند؛ در نتیجه این حساب‌ها هم مانند حساب جاری بستر خلق پول بانکی شدند و البته با شدت بسیار بیشتر؛ چون سهم این نوع سپرده‌ها در حجم نقدینگی کشور قابل قیاس با بقیه سپرده‌ها نیست. هم‌اکنون سهم این سپرده‌ها (یا همان شبه پول) حدود ۷۵٪ نقدینگی را تشکیل می‌دهد؛ درحالی‌که پیشتر بیش از ۹۰٪ بود. لذا اگر ماهیت حقوقی سپرده‌های جاری را به همان ماهیت امانی برگردانیم و سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار را به همان منوال مدت‌دار بودن عودت دهیم و از دسترس خارج کنیم، خلق پول از این ناحیه رخ نخواهد داد و دیگر با ضریب فزاینده مواجه نخواهیم شد.

دوم: خلق پول از هیچ به مثابه چک صوری و اکل مال به باطل

به اعتقاد برخی از اندیشه‌وران اسلامی:

خلق پول اعتباری بانکها پدیده‌ای جدید و جزو مباحثی است که باید به شیوه معیاری بررسی شود نه موضوعی. بدین صورت که اگر اقتصاددانان اثبات کنند در خلق پول بانکی مفسده‌ای نیست و به مصلحت جامعه و اقتصاد کشور است، خلق پول بانکی ایرادی ندارد، اما اگر مفسده آن را اقتصاددانان اثبات کنند، اشکال دارد. به گفته ایشان، بحث اعتبار از هیچ، در فقه، پیش از بحث بانکداری در بحث‌های مشارکت مطرح است که به آن مشارکت در وجوه می‌گویند. بعضی از افراد در بازار بودند که اصطلاحاً وجهه داشتند، اعتبار داشتند. چنین فردی بدون اینکه سرمایه‌ای داشته باشد، با همان اعتبارش، می‌رفت از تاجری جنس می‌خرید؛ بعد آن را می‌فروخت، پولش را می‌برد پس می‌داد. آنچه که فقها اشکال گرفتند، مشارکتش است. معامله خودش اشکال ندارد، اما اینکه کسی بگوید اعتبار از تو، کار از من، اما مشارکت وجوه بخواهد پیش بیاید، به‌خاطر غرری بودن می‌گویند اشکال دارد، اما شخصی دارد با اعتبار خودش کار می‌کند، هیچ چیز ندارد و کار می‌کند، عیبی ندارد. می‌گوییم بانک اسلامی ابزاری پیدا کرده، می‌تواند بخرد ولو آنکه منابعی نه از خودش دارد نه منابع سپرده‌ای دارد، اما اعتبار دارد. چک بکشد، مواد اولیه را از فروشنده بخرد، به‌صورت مراحه به این کارخانه‌دار بفروشد (موسویان، ۱۳۹۶).

اما به اعتقاد ما، تحلیل موسویان نادرست است؛ زیرا در نگاه موضوع‌شناسانه مسئله‌ای که این اندیشه‌وران باید به آن توجه کنند این است که بین اعتبار تعریف‌شده بالا و بین خلق اعتباری که بانک می‌کند، تفاوت ماهوی است؛ زیرا اعتبار واردشده در بحث مشارکت وجوه همان اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار است و بر همان اساس خرید و فروش می‌کنند و بانکها برای دادن تسهیلات بر همین اساس اعتبارسنجی می‌کنند، اما خلق اعتباری که بانک با ایجاد اعتبار در حساب می‌کند بدین معناست که پولی را که وجود ندارد در ذهن تسهیلات‌گیرنده به‌گونه‌ای وانمود می‌کند که در حسابش واریز شده است. بانک نمی‌گوید برو با اعتباری که من در بازار دارم خرید کن، بلکه بانک وانمود می‌کند این پول در بانک من وجود دارد، بر این اساس شما برو و خریدهای خود را انجام بده؛ چون بر اثر تجربه می‌داند که بعد از مدتی می‌تواند جایگزین کند. این درحقیقت از هیچ، پول خلق می‌کند و در ترازنامه بانک این وام به‌صورت دارایی ثبت می‌شود و برای گیرنده تسهیلات بدهی است که اصل و فرع آن را باید به بانک برگرداند.

برای تقریب به ذهن چک‌های صوری را مثال می‌زنم که دین اعتباری است. فقها نوعاً در دین واقعی جایز می‌دانند که چک تنزیل شود؛ زیرا دین واقعی مال است. آقای الف نسبت به آقای ب یک طلبی دارد، این طلب به‌صورت چک است، می‌رود به سمت شخص ثالث؛ چون دین واقعی است، می‌رود تنزیل می‌کند، اما اگر شخص الف اعتباری در بازار دارد، شخص ب چون دوستش است، می‌آید به شخص الف می‌گوید من صد میلیون تومان پول نیاز دارم، چه کار کنم؟ آقای الف می‌گوید من که این پول را ندارم، اما در بازار اعتبار دارم، یک چک برایت می‌کشم، شما برو در بازار این چک را تنزیل کن - همه هم می‌دانند که چک این آقا در بازار معتبر است - می‌تواند تنزیل کند و کار این آقا هم راه بیفتد. حالا شخص ب بدهکار شخص الف است و در موعد توافق شده دین را تصفیه می‌کند. همه فقها در اینجا می‌گویند چون دین واقعی که مال است وجود ندارد، شما نمی‌توانید آن را تنزیل کنید. بنابراین در مورد چک‌های دوستانه، از این نظر که مالی وجود ندارد مشروع نیست.

در اینجا بانک هم به واسطه اینکه بانک شده و همین که مردم به آن اطمینان پیدا می کنند، پولی را که وجود ندارد، با باز کردن اعتبار در حساب برای شخص و دادن دسته چک یا کارت اعتباری به او وانمود می کند که وجود دارد و خلق پول از هیچ، از اینجا پدید می آید. لذا از حیث فقهی می توان عنوان اکل مال به باطل را بر آن صادق دانست؛ زیرا مالی را که وجود ندارد برایش فرض وجود می کند. پس اگر در چک های صوری و دوستانه مشروعیت آن پذیرفته نشد، در اینجا هم مشروعیتش پذیرفته نیست و یک ریال خلق پول هم اکل مال به باطل است.

با همه این اوصاف، به خاطر حاکمیت اندیشه بسیار ناصواب مجاز دانستن خلق پول اعتباری در چهار دهه گذشته، اقتصاد ایران و جولان بانک ها در دهه اخیر، روزانه به حجم نقدینگی چندین هزار میلیارد تومان اضافه می شود و تورم شدید ناشی از آن هم اکنون بر نظام و مردم سنگینی می کند و نیز به خاطر وجود بازی در حال گسترش پانزی در نظام پولی و مالی کشور، که در آن بدهی ها و تعهدات به تعویق افتاده و بازپرداخت آنها به آینده موکول می شود، اگر دولت و بانک مرکزی مداخله نکنند به زودی اعلان بحران ورشکستگی های عظیم بانک ها را هم در پیش رو خواهیم داشت.

نتیجه گیری

تجربه چهار دهه گذشته نظام پولی کشور حاکی از این حقیقت است که با مجاز و مشروع شمردن امکان انتشار پول اضافی برای دولت ها و خلق پول برای بانک ها، شاهد افزایش های مستمر و بی رویه پایه پولی یا پول پر قدرت به وسیله همه دولت های پس از انقلاب و همچنین افزایش عظیم نقدینگی با خلق پول توسط نظام بانکی در دهه اخیر بوده ایم. نتیجه همه اینها افزایش بهمن وار حجم نقدینگی، وقوع تورم های شدید، گسترده و مزمن بوده است. کاهش های متوالی ارزش پول به دنبال خودش توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد و آثار ناگوار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی ناشی از آن در تمام سطوح جامعه، نااطمینانی تصمیمات سرمایه گذاری، اختلال در تراز پرداخت های خارجی، بودجه و اقتصاد سوداگری و ضد تولیدی را در پی داشته است.

با این همه از منظر اقتصاد اسلامی و آموزه های آن در مورد ماهیت حقوقی انواع خلق پول و احکام فقهی آنها پژوهش های بنیادین اندکی صورت گرفته است. لذا تبیین ماهیت حقوقی انواع خلق پول و نتایج فقهی آن موضوع این پژوهش قرار گرفته و درصدد پاسخ مبنایی به این پرسش برآمده است که آیا یک ریال خلق پول از حیث فقهی اکل مال به باطل و حرام است؟ یا اینکه نه! اصل خلق پول مباح است و تنها خلق بی رویه آن حرام است؟

در تبیین معیاری با توجه به آثار اقتصادی که برای خلق پول برمی شمارند، تنها ناسازگاری خلق بی رویه پول چه از طرف دولت و چه از طریق بانک ها با آموزه های اسلام قابل اثبات است و نه بیشتر. در تبیین موضوعی است که با ماهیت شناسی خلق پولی که توسط بانک ها انجام می شود، می توانیم اثبات کنیم خلق حتی یک ریال پول از طرف بانک با این آموزه ها سازگار نیست. نوآوری پژوهش این است که با ماهیت شناسی خلق پول، اکل مال به باطل بودن آن را چه از طریق ضریب فزاینده و چه از طریق خلق پول از هیچ بررسی کرده است. نخست، خلق پول اعتباری از

مسیر بانکداری ذخیره جزئی با ضریب فزاینده به مثابه عمل متقلبانه و اکل مال به باطل شمرده شده است؛ زیرا در این فرایند که در آن بانکها به طور تجمعی خلق پول می کنند، مفهومش این است یک واحد پول منتشر شده از سوی بانک مرکزی در حضور ضریب فزاینده در چرخه بانکهای تجاری چندین برابر ادعای مالکیت را در پی دارد. این از حیث حقوقی، یعنی یک واحد پول همزمان چندین مالک دارد. شاهد بر مدعا اینکه اگر نظام بانکی با هجوم بانکی مواجه شود، توان پرداخت ندارد و پاسخگوی این ادعاهای مالکیت ایجاد شده نیست؛ و حال آنکه از لحاظ حقوقی و فقهی یک مال در آن واحد و از جهت واحد نمی تواند چندین مالک داشته باشد، مگر به نحو مشاع و یا در طول زمان. این مثل این است که برای یک ملک واحد برای چندین نفر سند مالکیت صادر شده باشد. این کار مصداق کلاهبرداری، عمل متقلبانه و اکل مال به باطل است.

دوم، در مورد خلق پول از هیچ باید گفت به مثابه چک صوری و اکل مال به باطل است؛ زیرا خلق اعتباری که بانک می کند بدین معناست که پولی را که وجود ندارد در ذهن تسهیلات گیرنده به گونه ای وانمود می کند که در حسابش واریز شده است. بانک نمی گوید برو با اعتباری که من در بازار دارم خرید کن، بلکه بانک وانمود می کند این پول در بانک من وجود دارد، بر این اساس شما برو و خریدهای خود را انجام بده؛ چون بر اثر تجربه می داند که بعد از مدتی می تواند جایگزین کند. این در حقیقت از هیچ پول خلق می کند و در ترازنامه بانک این وام به صورت دارایی ثبت می شود و برای گیرنده تسهیلات بدهی است که اصل و فرع آن را باید به بانک برگرداند. همان گونه که در چکهای دوستانه از این نظر که مالی وجود ندارد و دین صوری است، مشروع نیست، در اینجا هم بانک به واسطه اینکه بانک شده و همین که مردم به آن اطمینان پیدا می کنند، پولی را که وجود ندارد، با باز کردن اعتبار در حساب برای شخص و دادن دسته چک یا کارت اعتباری به او وانمود می کند که وجود دارد و خلق پول از هیچ، از اینجا پدید می آید. لذا از حیث فقهی می توان عنوان اکل مال به باطل را بر آن صادق دانست؛ زیرا مالی را که وجود ندارد برایش فرض وجود می کند. پس اگر در چکهای صوری و دوستانه مشروعیت آن پذیرفته نشد، در اینجا هم مشروعیتش پذیرفته نیست و یک ریال خلق پول هم اکل مال به باطل است.

نکته مهمی که از آن غفلت شده و باید در این فرایندها به آن توجه داشته باشیم، این است که خلق پول چه از طریق پایه پولی با انتشار پول از سوی بانک مرکزی و چه از طریق خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب، در حضور بانکداری ذخیره جزئی و ضریب فزاینده پولی صورت می گیرد؛ در نتیجه هر دو پول به محض ورود به چرخه بانکداری تجاری با ضریب فزاینده به افزایش چندین برابری سپرده ها و افزایش بهمن وار حجم نقدینگی می انجامند. اینکه آمارها نشان دهنده خلق و تولید روزانه چندین هزار میلیارد تومان نقدینگی در نظام بانکی ایران است، تنها با توجه به تحلیل بالا قابل تحلیل و تفسیر است. نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کنیم، این است که حتی اگر سیاست ذخیره صددرد عمل اعمال کنیم، باز شاهد خلق پول از هیچ خواهیم بود. خلق پول لازمه صندوقهای قرض الحسنه نیز است؛ زیرا در آن وام

پرداخت می‌شود؛ گرچه وام در آن غیرربوبی است. شاهد بر مدعا رشد و افزایش قابل توجه و چشمگیر شعب برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه در سطح کشور است؛ درحالی‌که برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه که از سال‌های پیش از انقلاب در حال فعالیت موفق و سالم قرض‌الحسنه هستند بیش از دو شعبه نشدند.

توصیه‌های سیاستی و تقنینی

۱. بانک مرکزی باید با قدرت و سرعت برای «ترتیبات خلق پول» چاره‌ای بیندیشد، والا بحران عظیمی اقتصاد ایران را دربر گرفته و به زودی زمین‌گیر خواهد شد. قدرت پول‌آفرینی شبکه بانکی باعث می‌شود بانک‌های مرکزی تسلط کامل را در کنترل حجم نقدینگی نداشته باشند.

۲. اگر ماهیت حقوقی سپرده‌های جاری به همان ماهیت امانی برگردانده شوند و سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار به همان منوال مدت‌دار بودن عودت داده شوند، خلق پول از این ناحیه رخ نخواهد داد و دیگر با ضریب فزاینده مواجه نخواهیم شد.

۳. اگر ذخیرهٔ صددرصد به بانک تحمیل نشود، خلق پول به صورت قهری اتفاق می‌افتد. خلق پول لازمهٔ صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز است؛ زیرا در آن وام پرداخت می‌شود؛ گرچه وام در آن غیرربوبی است. لذا صندوق‌های قرض‌الحسنه هم باید تحت نظارت شدید بانک مرکزی قرار گیرند.

۴. اگر نظام هنوز در مورد عدم مشروعیت خلق پول اعتباری شک دارد، اما در مورد ممنوعیت خلق بی‌رویه نقدینگی اتفاق نظر وجود دارد. لذا، در مورد کل حجم نقدینگی اعم از پول بانک مرکزی و پول اعتباری قاعدهٔ اصلی به هدف حفظ ارزش پول و مقابله با تورم و نیز برخورداری از نرخ رشد اقتصادی پایدار اقتضا می‌کند، رشد حجم کل نقدینگی بر محدودیت و انضباط استوار باشد. بر این اساس، نرخ رشد نقدینگی باید رابطهٔ تناسبی مشخصی را با نرخ رشد محقق‌شده یا انتظاری تولید ناخالص ملی حفظ کند.

۵. نظام اسلامی لازم است بانک مرکزی قدرتمند و مستقل با مدیریت قوی، کارگزاران شایسته و نظارت بایسته داشته باشد تا بتواند ضمن کنترل پایه پولی، قدرت نظارت کامل و شدید بر بانک‌های خصوصی تجاری همانند بانک‌های تجاری دولتی و همچنین قرض‌الحسنه‌ها داشته باشد تا نتواند بی‌رویه خلق پول و نقدینگی کند. اعطای استقلال عملی و واقعی به بانک مرکزی، می‌تواند در کنترل حجم نقدینگی، در نتیجه ثبات قیمت‌ها و حفظ ارزش پول بسیار مؤثر باشد.

۶. لازمهٔ همهٔ اینها این است که به سرعت و با دقت به سراغ قانون بانک مرکزی و قانون عملیات بانکی بدون ربا رفته و بر اساس شاخص‌های اسلامیت و استقلال واقعی به اصلاح ریشه‌ای آنها پرداخته و به نظام پولی سروسامان دهیم. تا به ثبات در نظام پولی نرسیم، تمام ثبات‌سازی‌ها در بخش‌های دیگر از جمله نظام ارزی خنثا نخواهد شد. شاهد مسلم آن برنامهٔ هدفمند کردن یارانه‌هاست که با تورم‌های مستمر چندین ساله به کلی خنثا شده است.

منابع
قرآن کریم.

اکبری، محمود و دیگران (۱۳۹۹). ابعاد اقتصادی - فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی. پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، ۲۸، ۱۳۵-۱۶۶.

توسلی، محمد اسماعیل و دیگران (۱۳۹۹). تبیین ماهیت بانکداری غربی، بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی. تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۴۶، ۸۵-۱۰۷.

توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۹۴). تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۵). ماهیت بانک و دلالت‌های آن بر مطالعات بانکداری اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲۸، ۱۷۳-۱۹۸.

خوش‌نقش، هادی (۱۴۰۰). خلق پول از دیدگاه امامیه و با نگاهی به قوانین موضوعه. جستارهای فقهی و اصولی، ۷ (۲۲)، ۵۸-۹۶. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱ق). مصباح الفقاهه. بی‌جا: وجدانی.

سبحانی، حسن و درودیان، حسین (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۱۶ (۶۴)، ۳۱-۵۴.

صمصامی، حسین و کیان‌پور، فرشته (۱۳۹۴). بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۷ (۱)، ۱۰۹-۱۳۰.

عالی‌پناه، علیرضا و تاج‌لنگرودی، محمدحسن (۱۳۹۵). بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری. پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، ۲۵ (۲)، ۶۵-۹۴.

مهدوی، ابوالقاسم، توکلی دادجوی، عباس و عسگری، آرین (۱۳۹۷). عوامل ناموفق خلق سپرده‌های بانکی در اقتصاد ایران. بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی.

عیسوی، محمود (۱۴۰۲). بررسی فقهی و اقتصادی پدیده خلق پول. اقتصاد اسلامی، ۲۳ (۹۰)، ۵-۳۶.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (بی‌تا). کنز العرفان فی فقه القرآن. تهران: مرتضوی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها). تهران: شرکت سهامی انتشار.

کیمیجانی، اکبر و دیگران (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی، نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. جستارهای اقتصادی ایران، ۱۵ (۲۹)، ۱-۳۰.

محققیان، مهدی و دیگران (۱۴۰۱). تأملی در حکم فقهی خلق پول. آموزه‌های فقه مدنی، ۱۵ (۲۶)، ۱۹۷-۲۱۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۳ق). انوار الفقاهه (کتاب بیع). قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۱ق). کتاب البیع. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

موسویان، سیدعباس (۱۳۹۶). نشست بررسی مشروعیت خلق پول اعتباری در نظام بانکی. دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

در: خبرگزاری فارس. گروه اقتصاد. ۱۳۹۶/۱۲/۱۲. <https://farsnews.ir/Economy>

موسویان، سیدعباس و دیگران (۱۳۸۶). نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین. اقتصاد اسلامی، ۷ (۲۵)، ۹-۳۶.

موسویان، سیدعباس و میمنی، حسین (۱۳۹۶). بانکداری اسلامی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.

نورث، گری (۱۳۹۷). دیدگاه‌های پولی میزس. ترجمه محمدجواد جوادی و امیررضا عبدلی. تهران: دنیای اقتصاد.

Edwards, Mike (2013). *Why Our Monetary System Is Broken And How The Scottish Independence Referendum Creates An Opportunity To Fix It For Scotland*. Scottish.

Jakab, Z. & Kumhof, M. (2015). *Banks are not intermediaries of loanable funds and why this matters*. Bank of England Working Paper.

Kaufman, H., and H Minnsky (2008). *Stabilizing an Unstabl economy*. New York: McGraw- Hill.

Lindner, F. (2015). Does Saving Increase the Supply of Credit? A Critique of Loanable Funds Theory. *World Economic Review*, 4, 1-26.

Mishkin, Frederic.S. (2004). *The economics of money. banking and financial markets*, 357-378, Columbia University.

Werner, R. (2014). *Can banks individually create money out of nothing - The Theories and the Empirical Evidence*. International Review of Financial Analysis.

Wray, L. R. (2012). *Modern Money theory: A Primer On Macroeconomics For Sovereign Monetary Systems*. Palgrave Macmillam.

